

مسکن و محظوظ

شماره ۱۵۷ ♦ بهار ۹۶ ♦

توسعه کالبدی مناسب زمین و محیط‌های روستایی ایران

با تأکید بر تولید پایدار غذا

مجید یوسف نیاپاشا *، ماریا برزگر **

۱۳۹۴/۰۸/۱۳

۱۳۹۴/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت مقاله:

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

توانایی تولید غذا و امنیت غذایی یکی از شرایط خودکفایی است و موضوعی استراتژیک در هر جامعه و کشوری تلقی می‌گردد. روستا مهمترین و اولين مرجع تولید کننده غذا در ایران بوده که بافت و کالبد آن متأثر از تولید غذا، طراحی و توسعه پیدا کرده است. این نقش مهم در طرح‌های توسعه کنونی روستاهای مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. طرح‌های توسعه کنونی، ملهم از الگوهای شهری هستند که بر مبنای الگوهای شهرسازی مدرن و وارد شده از غرب توسعه یافته‌اند. این طرح‌ها با از بین بردن بافت روستایی، هویت معماری و تضعیف روابط اجتماعی، از نقطه نظر مهمتری موجب تضعیف تولید غذا و نقش تولیدی روستاهای ایران می‌شود که خود بحران‌های متعدد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی را در پی خواهد داشت. از این جهت ضروری است الگو و یا اندیشه "مدل-گونه" به منظور برنامه و طرح‌ریزی برای توسعه آتی روستا پیشنهاد گردد به طوری که موجبات تقویت تولید غذا و نقش تولیدی روستاهای ایران را به شکل مناسبی فراهم کند. اندیشه‌ها و تئوری‌های "مدل-گونه" در چهارچوب شهرسازی سبز با هدف تولید پایدار غذا، خصوصاً در مقیاس شهری و انواع دیگر سکونتگاه‌های انسانی، راهکارها و پیشنهادهایی را ارایه کرده‌اند که بافت و برنامه توسعه کالبدی سکونتگاه‌های انسانی را شکل می‌دهند. نوشتار حاضر همراه با بررسی ویژگی‌های کلی بافت روستاهای ایران به نقد و بررسی این اندیشه‌ها در جهت سنجش قابلیت تطبیق و الهام از آن‌ها برای توسعه بافت روستاهای ایران اقدام نموده است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که اندیشه "شهرسازی دهقانی" اندیشه مناسب‌تری نسبت به دیگر اندیشه‌های موجود به منظور الهام و الگوبرداری از آن برای طرح‌ریزی توسعه کالبدی روستاهای ایران می‌باشد. از آنجا که این اندیشه بر توسعه کالبدی شهر و انواع سکونتگاه‌های انسانی بر پایه تولید، مصرف و فروش محصولات کشاورزی و با غی در پیوند با زمین، استوار است، موجب تقویت نقش تولیدی روستاهای ایران خواهد شد. بنیان این مطالعه رویکردی قیاسی و تطبیقی است که با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای به سرانجام رسیده است.

واژگان کلیدی: روستاهای ایران، تولید پایدار غذا، کشاورزی، توسعه کالبدی، شهرسازی دهقانی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، آموزشکده سما واحد ساری.

** مدرس دانشگاه پیام نور بابل.

مقدمه

سازمان فائو^۱ در گزارشی عنوان داشته است که برای تأمین مواد غذایی جمعیت ۹ میلیارد نفری جهان در سال ۲۰۵۰ بایستی دو برابر میزان فعلی غذا تولید شود و برای رسیدن به این مهم باید موانعی نظیر محدودیت‌های زمین کشاورزی، کمبود آب و افزایش ضایعات غذایی را از پیش رو برداشت. پیش‌بینی شده است که رقابت بر سر زمین‌های کشاورزی و منابع آب، قیمت بالای انرژی و تغییرات آب و هوایی، جهان را به سمتی سوق می‌دهند که بایستی با منابع کمتر غذای بیشتری تولید شود (FAO,2015). رشد پایدار در بخش کشاورزی، عاملی حیاتی برای تغذیه جهان در دهه‌های آتی است.

در سال ۱۳۹۴ به صورت کلی میزان تولید مواد غذایی در ایران نسبت به سال گذشته کاهشی نداشته است اما کماکان در بین کشورهایی است که دارای امنیت غذایی متوسط می‌باشند (FAO,2015). طبق گزارش اتاق بازرگانی، صنایع و معادن (۱۳۹۴) بخش مهمی از غذاهای مصرفی، همچنان وارداتی می‌باشند و همچنین کشورمان از الگوی با ثبات کشت و تولید مواد غذایی برخوردار نیست (وزارت جهاد کشاورزی, ۱۳۹۴). به عبارتی شرایط ناپایدار در بخش کشاورزی حاکم است. روستاهای و روستاییان ایرانی مهمترین منبع تولید غذا در کشور می‌باشند که از دیرباز این نقش تولید غذا، بافت و کالبد روستاهای را همانند فرهنگ و سبک زندگی روستاییان شکل داده است (زرگر، ۱۳۷۸ و سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸). این سبک زندگی به دلایل متعددی از تولیدی بودن به سمت مصرف‌گرا بودن در حال تغییر بوده و عدم توجه به تقویت این نقش تولیدی در طرح‌های توسعه روستایی که مهمترین آن "طرح هادی روستایی" می‌باشد (قاسمی و رستمعلی‌زاده، ۱۳۹۱)، موجب از بین رفتن زمین‌های کشاورزی، مزارع و باغات می‌گردد

و مهمتر از آن‌ها فرهنگ تولید محور و خودکفایی روستا از طریق اختصاص زمین‌های حاصلخیز به خیابان‌کشی‌های غیر ضروری و صرفاً بر مبنای سرانه‌ها و استانداردهای شهری (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹) در جهت شهری کردن چهره روستاهای، به همراه ترویج الگوهای ناهمگون ساختمان سازی به صورت عام و خانه‌سازی به صورت خاص با کشاورزی و بازداری و دامی، نقش تولیدی روستاهای ایران رو به ضعف گراییده است. همه این مسایل توجه به تولید و تأمین غذا برای ساکنان ایران را (کشوری با جمعیت نزدیک به ۸۰ میلیون نفر که کماکان از نرخ رشد فزاینده برخوردار است) در جهت برخورداری از امنیت غذایی پایدار و وابستگی معقول به واردات، ضروری می‌نمایند.

در این جهت، یکی از راهکارهای کارآمد، تقویت و پایدار نمودن نقش تولیدی روستاهای است که کماکان نقش مهمی در تولید مواد غذایی در کشور را بر عهده دارند. اما مشکل این است که الگوی جامع یا مهمتر از آن اندیشه مدل-گونه^۲ مناسبی، افسار هدایت طرح‌های توسعه از جمله طرح هادی روستایی را به دست نگرفته است. الگوها و اندیشه‌های جدید متعلقی در چهارچوب شهرسازی سبز^۳ یا پایدار^۴ پیشنهاد شده‌اند که این مسئله را در کانون توجه و هدف خود در جهت شکل دادن به بافت سکونتگاه‌های انسانی و تولید غذا در این بافت قرار داده‌اند. از این میان می‌توان نگرش "باغ شهرها"^۵، "شهرسازی کشاورزی"^۶، "کشاورزی ماندگار"^۷ و "شهرسازی دهقانی"^۸ را نام برد که در این نوشه به اختصار مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند با این هدف که اندیشه مناسبی در جهت توسعه کالبدی روستاهای با تأکید بر تقویت نقش تولیدی روستاهای ایران معرفی شود. در این مسیر این مقاله به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

روستاهای ایران در جهت تقویت تولید غذا مشخص و مورد بحث گذاشته شود.

روستاهای ایران و نقش تولیدی

کشاورزی و دستیابی به شرایط پایدار به منظور تولید غذا یکی از دلایل اصلی یکجانشینی و شکل‌گیری روستاهای می‌باشد. از آن جمله و به عنوان مثال در مازندران بومی کردن کشت برنج، مهمترین عامل استقرار و شکل‌گیری هزاران روستا در این منطقه دانسته شده است (کولاپیان، ۱۳۸۵) که فرهنگ، پیکربندی روستاهای خانه‌ها را متأثر از خود شکل داده است (Yousefniapasha, 2010). تولید اساسی‌ترین نقش روستاهای وجه زندگی روستاییان در ایران بیان شده است (زرگر، ۱۳۷۸ و سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸) به حدی که حتی در بیابان‌های ایران و در کنار طوفان‌های شن نیز کشاورزی هر چند با مشقت فراوان ولی صورت می‌گیرد (فاضل‌نیا و دیگران، ۱۳۹۰). این مسئله ریشه در تاریخ کهن این سرزمین دارد. مشهدی‌زاده (۱۳۷۳) بیان می‌دارد که تهیه مواد غذایی و کشاورزی برای شهر از زمان ساسانیان به‌عهده ساکنین حومه یا ربض بوده که در بیرون از حصاری که شهرستان را احاطه می‌کرده است، قرار داشت که البته از اهمیت پایین‌تری نسبت به شهر و اجزای آن برخوردار بوده است. این اهمیت اما بعد از اسلام جای‌جا شده و با برتری حومه بر شهر یا شارستان، مفهوم منطقه شهری و محلات روستایی شکل یافتد (توسلی، ۱۳۶۰). این روستاهای یک کل مستقل از شهر و دارای خدمات و امکانات مورد نیاز ساکنین بوده که از گذشته کماکان نقش تولید کشاورزی و غذا را تاکنون، عهده‌دار می‌باشند.

عموماً بافت سکونتی روستا توسط مزارع و باغات که در اطراف قرار می‌گیرند، محصورند. بافت سکونتی روستاهای از نظمی هندسی برخوردار نبوده یا ارگانیک

- چه الگوها و اندیشه‌هایی برای شکل‌دهی و توسعه کالبدی سکونتگاه‌های انسانی با تأکید بر تولید غذا وجود دارند؟

- کدام یک از این اندیشه‌ها از قابلیت لازم برای الگو گرفتن به منظور توسعه بافت کالبدی روستایی ایران برای تقویت نقش تولیدی آن‌ها، برخوردار است؟

- چه تغییرات و اصلاحاتی بایستی در این الگو داد تا مناسب برای توسعه روستاهای ایران گردد؟

روش تحقیق

این مقاله به شیوه قیاسی تدوین شده است بدین معنی که روش‌هایی عام مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن به شرایط حاکم بر روستاهای ایران تعمیم داده شده است. این شیوه استنتاجی یا به عبارتی مطالعه تطبیقی، از آن جهت انتخاب شده است که موضوعات در عین حالی که اشتراک فراوانی دارند از تفاوت‌هایی نیز برخوردارند. این نوع مطالعه می‌تواند آگاهی و اشراف درخوری را به منظور کشف و ارائه راهکاری مناسب با وضعیت روستاهای ایران و در جهت حل مسئله مورد نظر فراهم کند.

اطلاعات لازم برای این پژوهش نیز به صورت عمده از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و به صورت جزیی از طریق مشاهدات میدانی از بعضی روستاهای ایران به‌دلیل تحقیقات متعدد مؤلفین در حوزه روستا صورت گرفته است. قابل ذکر است از آنجا که ارزیابی پس از بهره برداری از سکونتگاه‌های ساخته شده براساس اغلب اندیشه‌ها و الگوهای ذکر شده (خصوصاً اندیشه شهرسازی دهقانی) مشاهده نشده است، لذا اصول این اندیشه و اندیشه‌های دیگر از منابع کتابخانه‌ای مرتبط اخذ شده‌اند. در ادامه نیز سعی شده است تا نقاط قوت و ضعف این اندیشه‌ها، در راستای پیشنهاد به منظور دستیابی به الگوی مناسب برای توسعه کالبدی

می باشد، دارای مرکز محله به عنوان قلب مرکزی خود بوده و غالباً خدمات عمومی نظیر مسجد یا بناهای مذهبی، قهوه خانه یا چند مغاره کوچک و دیگر بناهای عمومی در اطراف این مکان واقع می شوند که حداکثر با ۱۵ دقیقه پیاده روی از دورترین خانه قابل دسترسی می باشند. خانه ها عموماً توسط معابری به هم دیگر و به این مرکز متصل می باشند که به صورت تاریخی، پهنا و کیفیت آنها برای عبور و مرور انسان به صورت پیاده و برای عبور و مرور و جابجایی حیوانات و محصولات کشاورزی طراحی شده اند (زرگر، ۱۳۷۸).

در ایران بافت روستاهای به دو صورت فشرده و پراکنده می باشد. خانه های به دلایل اقلیمی و محیطی در روستاهای واقع در مناطق مرکزی و کوهستانی ایران با بافتی فشرده به هم چسبیده اند (سرتیپی پور، ۱۳۸۸) در صورتی که در مناطق حاشیه جنوبی دریای مازندران، خانه های با بافتی پراکنده از هم دیگر مجزا بوده و غالباً همراه با باغ به صورت خانه - باغ شکل یافته اند (۲۰۱۰ Yousefniapasha, و معماریان، ۱۳۷۱). خانه های نیز در هر دو گونه این روستاهای نقشی زیستی - معیشتی دارند (زرگر ۱۳۷۸ و سرتیپی پور، ۱۳۸۸ و معماریان، ۱۳۷۱). هر دو گونه این روستاهای در دسته بندی سکونتگاه های سبز یا پایدار انسانی قرار می گیرند (Moughtin, 1995)، تا آنجا که توزیع فضایی و پیکربندی فضایی آنها وابسته به وضعیت جغرافیایی، اقلیمی و منابع آب و خاک می باشد (سرتیپی پور، ۱۳۸۸).

تغییر سبک زندگی، خواسته های جدید روستاییان به همراه ورود امکانات نو و مدرن، منطبق با بافت های کهن روستاییان به "نظر نمی رسد" و اقدامات انجام شده به منظور سامان دهی کالبدی در روستاهای روزگاری ایران نبوده اند، نتایج بسیار نامناسبی را در پی داشته اند.

از جمله این اقدامات می توان بازسازی، بهسازی یا نوسازی مسکن، ایجاد مراکز اداری - خدماتی، شبکه معابر و میادین، شبکه جوی و جدول و دفع آب های سطحی و غیره را بر شمرد که مهمترین آنها اصلاح معابر و اجرای میادین است (سرتیپی پور و همکاران، ۱۳۸۵). معابر به صورت افراطی و بی هیچ تناسبی با وسائل نقلیه روستایی تعریض یافته و تخریب واحد های بعضاً ارزشمند از بابت تاریخی و معماری^۸ را در پی داشته است و مهمتر از آنها موجب تخریب باغها و مزارع و اختصاص آنها به خیابان می شود. اراضی وسیع زراعی و نیز خالی حاشیه روستاهای بی توجه به نظام قطعه بندی زمین به کاربری های خدماتی و اداری واگذار شده که خود علاوه بر خالی از سکنه نمودن بافت کهن (سرتیپی پور، ۱۳۸۸) موجب کاهش میزان اختصاص زمین به کشاورزی شده است. در طراحی و ساخت خانه های جدید نیز به بعد معیشتی خانه های روستایی توجهی نمی شود.

این آشفتگی و نابسامانی، بیشتر از همه متأثر از نبود الگوی مناسب برای توسعه و انتظام کالبدی روستا یا به عبارتی بهتر، حاصل نبود اندیشه جامع و مناسب با نقش تولیدی روستا و اهمیت آن در شکل گیری، قوام و دوام آنها است.

اندیشه هایی برای توسعه کالبدی با تأکید بر تولید پایدار غذا

اندیشه هایی به توسعه بافت سکونتگاه های انسانی به صورت عام و بعضاً بافت شهری به صورت خاص پرداخته اند، به طوری که ساکنین را به انجام امور تولیدی و کشاورزی، تقویت، تسهیل و افزایش تولید غذا تشویق می نمایند. این قرابت ذاتی آنها با نقش روستاهای در ایران، حاوی نکات ارزشمندی در جهت شکل دادن اندیشه مناسب برای توسعه این روستاهای خواهد بود. در

استفاده گردد و صرف انگیزه تولید کشاورزی، عامل ایجاد فضای شهری نمی‌شود (Duany and DPZ, 2011). کشاورزی شهری به عنوان منبع اصلی درآمد نبوده و بنابراین در اولویت قرار ندارد و معمولاً فعالیت ثانویه افراد بوده و شغل دیگری برای کسب درآمد در اولویت آن‌ها قرار دارد. این روش تولید غذا با شرایط روستاهای ایران مطابقت ندارد، زیرا تولید غذا به عنوان شغل اصلی خانواده، منبع درآمد و اولویت اصلی روستاییان در ایران است. ضمن اینکه تولید غذا در روستاهای ایران، منحصر به کشاورزی نیست (سرتیپی پور، ۱۳۸۸). پس این اندیشه که تنها به تولید غذا از راه کشاورزی و آنهم به عنوان اولویت ثانویه می‌پردازد، حاوی نظراتی الهام بخش در مورد توسعه، ساماندهی و شکل‌گیری بافت کالبدی نمی‌باشد.

شهرسازی کشاورزی

پایه‌های شهرسازی کشاورزی یک قرن پیش توسط ابن‌زار هووارد با عنوان باغ شهرهای فردا بنیانگذاری شد که به ایجاد شهرهای خشک و بی‌روح منجر شد (Duany and DPZ, 2011). این شهرها با یک کمربند سبز در اطراف خود برای تغذیه جامعه محصور شده‌اند که ممکن است بعضی مواد غذایی آن شهر را تأمین کند. این الگو، فراتر از فعالیت‌هایی برای خریدهای مواد غذایی معمول در بازارها، فعالیت‌های دیگری برای درگیرشدن در امور کشاورزی را تقویت نمی‌کند. در حقیقت ساکنین نقشی در فرایند تولید غذا ندارند، چرا که تولید غذا را منحصر به کمربند سبز در اطراف شهرها دانسته و اندیشه‌ای در جهت پیوند تولید غذا و بافت کالبدی سکونتگاه‌ها ارائه نمی‌دهد. از این جهت قادر به تشویق ساکنین در جهت انجام امور کشاورزی نبوده و موجب ارتقای برخوردهای اجتماعی ساکنین نیز نمی‌گردد. این مسئله کاملاً نقطه مقابل آن چیزی

ابتدا بعضی از این اندیشه‌های شاخص که به اهمیت تولید غذا در بافت سکونتگاه‌های انسانی پرداخته‌اند، معروف شده، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نتیجه آن، یکی از این اندیشه‌ها به عنوان الگوی مناسب و چهارچوب اصلی برای طرح‌ریزی آینده روستاهای در ایران پیشنهاد گردیده است. در ادامه، اصول آن با شرایط کالبدی و محیطی روستاهای تطبیق داده می‌شوند که این مطالعه تطبیقی، راهکارهایی در جهت حفظ، تقویت و ساماندهی کالبد روستاهای ارائه می‌دهد.

کشاورزی شهری^۹

کشاورزی شهری تنها به کشت در درون شهرها و حومه‌های آن‌ها توجه دارد و گاهی اوقات نیز از مکان‌ها و زمین‌هایی بهره برداری می‌کنند که به دلیل کاهش جمعیت بدون استفاده مانده‌اند. کشاورزی در داخل بافت سکونتی در شهرهای کوچا در نتیجه کمبود مواد غذایی حاصل از تحریم‌های اعمال شده بر این کشور توسط آمریکا، الهام‌بخش اصلی این ایده بوده که به شکل مدرن در بسیاری از شهرهای کشورهای پیشرفته غربی به عنوان راه حلی برای افزایش مواد غذایی سالم و تازه، افزایش سلامتی و شادابی به همراه افزایش برخوردهای اجتماعی شهروندان و ساکنین در جهت دستیابی به تولید پایدار غذا و توسعه پایدار اجتماعی مورد توجه و استفاده واقع شده است (Janine and Montgomery, 2010; Montogomery, 2013). این الگو ساکنین را به ایجاد باغهای اجتماعی و مزارع کوچک، در زمین‌های خالی داخل بافت شهری و در مناطقی که زمین اضافی وجود نداشته باشد، ایجاد باغچه را در حیاطهای خصوصی یا بر بالای بام‌ها تشویق می‌کند تا تولید کشاورزی تقویت گردد. در حقیقت فضاهای شهری که قبلًا برای اموری دیگر ایجاد شده‌اند، ترغیب می‌شوند که برای این منظور

کشاورزی ماندگار

است که در روستاهای ایران در جریان بوده و در توسعه کالبدی تولید محور، می‌بایست تأکید گردد.

این اندیشه توسط بیل مولیسون^{۱۰} (۱۹۹۲) معرفی و پی‌گیری شد و اصولی اخلاقی در جهت حفظ و ارتقای کشاورزی و اصولی به‌منظور طراحی باغات، زمین‌های کشاورزی و مراکز پرورش ماهی، ماکیان و دام در جهت افزایش تولید غذا پیشنهاد می‌کند که در واقع می‌تواند اندیشه‌های دیگر را نیز پشتیبانی نماید. این اصول اخلاقی عبارتند از مراقبت از زمین، مراقبت از انسان و ایجاد تناسب مکان با جمعیت و میزان مصرف آن‌ها. اصول اصلی بیان شده در این اندیشه در راستای طراحی نیز عبارتند از کار با طبیعت نه در مقابل آن، مشکل خود یک راه حل است، ایجاد باغ با تنوع محصولات، تغییر باید برای بیشترین تأثیر ممکن باشد و محصول یک سیستم از لحاظ تئوری نامحدود است. در واقع این اصول طراحی نیز شبیه به بیانات اخلاقی یا به عبارتی بیانیه طراحی می‌باشد که تنها مرکز بر ارتقاء و چگونگی کشاورزی و تولید غذا می‌باشد تا پیوند آن با بافت سکونتگاه‌های انسانی و پیشنهاد راهکارهایی شهرسازانه و معمارانه در جهت پیکر بندی بافت کالبدی و ارتقای کیفیت محیط زندگی شهری و روستایی. مسئله‌ای که کانون توجه در اندیشه بعدی است.

شهرسازی دهقانی

شهرسازی دهقانی یکی از نظریه‌هایی است که با نگاهی پایدار، بر استفاده مناسب و حداقل از زمین برای تولید پایدار غذا در شهرها، روستاهای و سکونتگاه‌های انسانی تأکید می‌کند. این مدل توسط شهرسازان مشهور به نام‌های دوینی و همسرش زیرک^{۱۱} (۲۰۱۱) با الهام از الگوی روستاهای تمام تجربیات گذشته در این زمینه، معرفی شده است که ایجاد بستر مناسب برای تولید غذا

توسط ساکنین، هدف اصلی شکل‌گیری آن‌ها بوده است. در این راستا این نظریه، الگوهایی به‌منظور شکل‌دهی منطقه در مقیاس کلان و پیکر بندی سکونتگاه‌های انسانی و اجزای آن در مقیاس‌های کوچک‌تر ارائه می‌دهد و برخلاف اندیشه‌های قبلی تنها به ارتقای کشاورزی و افزایش تولید تأکید ندارد بلکه رابطه تولید و بافت سکونتی را دو جانبه می‌بیند. تولید غذا می‌بایست موجب ارتقای کیفیت زندگی و محیط زندگی گردد و از طرفی دیگر محیط زندگی موجب افزایش تولید.

این تئوری از سال ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ توسط لیرت میگ^{۱۲} تعریف شد، دوینی و زیرک (۲۰۱۱) آن را بسط داده و در حوزه شهرسازی سبز، قوانین و اصولی برای آن تدوین کرده‌اند. در این مدل سعی بر ایجاد جامعه‌ای است که تمامی ابعاد آن اعم از پیکر بندی بافت کالبدی، سازماندهی، رشد و پرورش، توزیع، پخت، تناول و برگزاری جشن و مراسم، در ارتباط با تولید غذا باشند. از آنجا که تولید کشاورزی و غذا، وابسته به زمین می‌باشد، این تئوری با الگوی فیزیکی سکونتگاه‌ها که در پشتیبانی جامعه دهقانی نقش دارد در ارتباط است. این الگو از تمامی تجربیات سکونتگاه‌ها و شهرسازی نمونه‌هایی در سراسر جهان از جمله باغ شهرها، باغ‌های اجتماعی^{۱۳} در آلمان، جامعه بازیگران بازی گلف^{۱۴}، کمون‌های^{۱۵} دهه ۱۹۶۰، مورمون‌ها^{۱۶} و کیوتز^{۱۷} استفاده می‌کند تا بتواند تحولی در شکل کالبدی روستاهای ایجاد کند (Duany and DPZ, 2011, p.8). بافت و کالبد سکونتگاه‌ها، همراه با رویکرد این الگو، یک ترانس^{۱۸} را به تصویر می‌کشد که از علم طبیعت‌شناسی وام گرفته شده است. ترانسی که توسط این تئوری پیشنهاد می‌شود از منطقه ترانس(۱) با تنوع طبیعی و محیط وحشی شروع شده و سپس به ترتیب اقامتگاه‌های تکی،

ترانس(۶) از بالاترین درجه ارتباطات اجتماعی، تراکم ساختمنی و انسانی برخوردار است (تصویر شماره ۱).



ت ۱. نمایی از ترانس و منطقه‌بندی آن. (منبع: www.dpz.com/Technique/Transect)

ترانس‌های ۱ و ۲ و جنبه‌های تولیدی ترانس‌های ۳ و ۴ و ۵ و ۶ افزایش یابد (Duany and DPZ, 2011, P.73). در واقع ترانس همانند یک طرح آمایش منطقه و طرح جامع، ابزاری است که از مکان‌یابی سکونتگاه‌ها، فضاهای ساختمنی، فضاهای باز و سبز گرفته تا شکل بنایا، تخصیص کاربری‌ها، تراکم و جزیئات فضاهای شهری شامل نوع و گونه‌های درختان و تیرهای چراغ برق را در بر می‌گیرد.

همان‌طوری که گفته شد روستاهای در ایران بر مبنای تولید غذا و وابسته به زمین شکل یافته‌اند که فرهنگ کلی، الگوی توزیع روستاهای، شکل کالبدی آن‌ها و شکل خانه‌ها در ارتباط و متأثر از چگونگی توزیع و استفاده متعادل و حداقل از زمین در جهت تولید کشاورزی و غذا، تحول یافته‌اند (یوسف نیاپاشا، ۱۳۸۰). در حقیقت دلیل اصلی شکل‌گیری این روستاهای مدل پیشنهادی شهرسازی

این تئوری بر روی منطقه واقع شده در ترانس (۴) تمرکز کرده تا بتواند وضعیت این منطقه را بهبود ببخشد. سکونتگاه‌های این منطقه، عموماً شامل شهرک‌های ماشین-محور در اطراف شهرها بوده که هرچند دارای فضای سبز فراوانی هستند ولی دارای کمترین خدمات و فضاهای اجتماعی می‌باشند و به همین دلیل برخوردهای اجتماعی به حداقل رسیده و معضلات اجتماعی مانند جرایم و افسردگی افزایش یافته است (Montgomery, 2013). همچنین توجهی ویژه به ترانس‌های ۳ و ۲ که منطقه‌ای روستایی است دارد تا بتواند برای انتخاب مکان زندگی، سکونتگاه‌های متنوعی را به استفاده کننده با شرایط گوناگون، پیشنهاد دهد. به همین منظور سعی می‌شود تا خصوصیات محیطی تمام ترانس‌ها تقریباً یکسان و یا نزدیک بهم شود. با این هدف، سعی می‌شود تا جنبه‌های اجتماعی

دھقانی، مشترک است و این اشتراک، استفاده از این اندیشه را به عنوان الگو در جهت توسعه و ساماندهی کالبدی بافت روستاهای ممکن می نماید.

تطبیق شهرسازی دھقانی با روستاهای ایران

در این بخش اصول این اندیشه تبیین و تحلیل شده و ضمن تطبیق با شرایط روستاهای ایران، کارآیی آنها از مناظر گوناگون مورد بررسی قرار می گیرد.

مکان یک سکونتگاه دھقانی

با توجه به تصویر شماره ۱، در ترانس ۱ هیچگونه ساخت و سازی انجام نمی شود. در ترانس ۲ خانه های پراکنده روستایی می توانند قرار گیرند که دارای زمین های کشاورزی و فضاهای سبز وسیع می باشند. در ترانس ۳ روستاهای شهربک های کم تراکم شکل می گیرند که مزارع این بخش کوچک تر بوده و راهها و معابر به صورت ارگانیک می باشند تا حالتی طبیعی به بافت ببخشد. در ترانس ۴ و ۵ نیز بافت شهری ساخته می شود که در آن تراکم ساختمانی و انسانی بالابوده، انواع خدمات شهری و پیاده روی وسیع تری شکل می گیرند و در ترانس ۶ هسته اصلی شهر قرار گرفته که دارای ساختمانی های بلند بوده و تنها در شهرهای بزرگ می توان مشاهده نمود. اگر کسی بخواهد می تواند در زمینی بزرگ در اطراف شهر، کشاورزی کند و آنها که می خواهند کمتر کار کنند یا زمین کمتری نیاز دارند و یا اینکه دوست دارند که در کنار دیگر مردمان زندگی کنند، باغ کوچک یا حتی باغی بر روی سقف در ترانس ۶ نیز پاسخگو است (Duany and DPZ, 2011, p.40).

بر طبق این نظریه، محله ای که در آن تولید اتفاق می افتد یا یک روستا، بایستی در کنار شهر یا سکونتگاهی دیگر باشد که دارای بازار، هتل و رستوران بوده و توانایی مصرف محصولات تولید شده را داشته و قادر باشد که برای آنها پول پردازد (Duany and

(DPZ, 2011, p.79). داشتن خریدار قطعاً باعث رونق اقتصادی محله و ایجاد انگیزه برای ساکنین برای انجام امور تولیدی خواهد بود امری که در مکان گزینی روستاهای در ایران دقت شده است.

این اندیشه بر این تأکید می ورزد که در تمامی ترانس ها، از زمین های بزرگ کشاورزی در روستاهای مناطق وحشی تا بالکن یا جعبه های کنار پنجره در آپارتمان های بلند مرتبه در مرکز شهر، می توان برای تولید غذا برنامه ریزی نمود. اما در ارتباط با آن، به نکات دیگری مانند چگونگی تأثیر نوع خاک، آب و عوامل محیطی نظیر سیل و زلزله درخصوص مکان گزینی روستاهای یا دیگر سکونتگاه های انسانی اشاره نمی کند. همچنین به چگونگی تأمین تأسیسات زیربنایی مانند شبکه آبرسانی و نقش آن در چگونگی بافت و کالبد این سکونتگاه ها اشاره نشده است. در این موارد، روستاهای ایران درس های آموزنده ای دارند که به عنوان مکمل می توانند در روند برنامه ریزی برای توسعه این روستاهای به کار گرفته شوند.

محله دھقانی و چگونگی آن

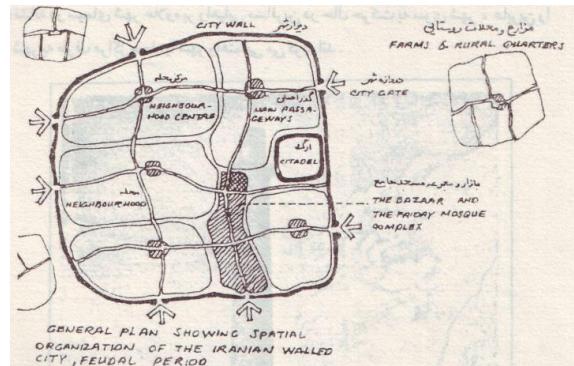
محله توسط دوینی و زیرک (۲۰۱۱) اینگونه تعریف شده است: "... یک مکان شهری در حال توسعه که اگر با بقیه (محله ها) به هم پیوندد شهر کوچک را تشکیل می دهد و اگر به تنهایی و جداگانه مستقر شوند یک روستا می شوند... (ص ۳۱)، همان تعریفی از محلات شهری و روستاهای ایران که توسلی (۱۳۶۰) آن را به تصویر می کشد (تصویر شماره ۲). در این تعریف روستاهای مانند محلات شهری مستقل بوده و دارای مرکز محله و امکانات اجتماعی در مقیاس خود می باشد و شهر از به هم پیوستن این محلات مستقل شکل یافته که در عین استقلال از خدمات مشترکی در مقیاس شهر برخوردارند.

مختلف^{۲۰} باشد مانند شهرها و روستاهای سنتی در سراسر جهان و از جمله روستاهای ایران، نه به مانند شهرسازی مدرن که کاربری‌ها به صورت جداگانه^{۲۱} منطقه‌بندی شده‌اند. بنابراین مکان‌گزینی فضاهای اداری و خدماتی در مقیاس محله، در اطراف روستاهای و جدا از بافت سکونتی روستایی، تقارنی با این نظریه ندارد.

این محلات بایستی پیاده محور به جای ماشین محور طراحی شوند و تمامی خدمات، امکانات و نیازهای ضروری یک خانواده مانند مغازه، مدرسه و مانند آن در فاصله دسترسی ۳۰۰ تا ۵۰۰ متر یا فاصله زمانی ۱۵-۵ دقیقه پیاده قرار گیرند(Duany and DPZ, 2011, p.32).

Alexander,1977 ; Moughtin, 1995 ; Montgomery,2013 Gehl,2010 (Gehl,2010). از این بابت بافت سنتی روستاهای ایران با این نظریه مطابق هستند، در حالی که با توجه به تعریض خیابان‌های روستایی، تغییر شکل و جنس کف این خیابان‌ها و احداث میدانی برای دور زدن ماشین در نتیجه طرح‌های هادی، این بافت‌ها به سمت بافت ماشین محور هدایت می‌شوند.

محله بایستی فشرده^{۲۲} باشد، اصلی که شهرسازان پایدار بر آن تأکید می‌کنند، چرا که از این طریق عبور و مرور و استفاده از ماشین کمتر شده، آلودگی‌ها کاهش یافته، ارتباطات اجتماعی بیشتر شده و تهیه و احداث خدمات و تأسیسات عمومی و زیربنایی مقرون به صرفه می‌باشد. ضمن اینکه زمین‌های بیشتری برای اختصاص به فضاهای سبز در اختیار خواهد بود. اما نظریه شهرسازی دهقانی از منظر دیگری به آن می‌نگرد، اینکه زمین بیشتری برای تولید غذا در اختیار ساکنین می‌تواند باشد، چیزی که مبنای شکل‌گیری روستاهای ایران بوده است. مساحت کم و منطبق با نیاز خانه‌ها و بناها، ابعاد کوچک و در مقیاس انسانی معابر و میدانی عمومی، از محسنه بود که موجب استفاده بیشتر از زمین‌های حاصلخیز در روستاهای ایران برای اختصاص به



ت.۲. ترکیب کلی شهر شامل چند محله و محلات روستایی مستقل در مجاورت آن (تولسلی، ۱۳۶۰، ص ۴۴).

میزان و تراکم جمعیت طبق این نظریه نیز بسته به شرایط طبیعی و اجتماعی متغیر است اما الکساندر(۱۹۷۷) میزانی بین ۵۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر را برای اینکه یک جامعه کامل و خودکفا و در عین حال کوچک شکل بگیرد، لازم می‌داند. در این جامعه اکثر افراد با هم آشنا بوده، با هم همکاری می‌کنند و جامعه‌ای پایدار می‌تواند شکل بگیرد. با توجه به متوسط جمعیت روستاهای ایران، این روستاهای از جهت جمعیتی در این تعریف قرار می‌گیرند. در حوزه شهرسازی پایدار، کوین لینچ (1981) متوسط میزان جمعیت یک محله را بین ۲۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر می‌داند و داکسپیدس بین ۵۰۰ تا ۳۰۰۰ خانواده و لشون کریز حدود ۱۲۰۰۰ نفر می‌شمرد تا این محلات برای خدمات رسانی دارای جمعیت لازم و کافی باشند که البته جز تعریف داکسپیدس و الکساندر، مابقی چندان قرابتی با خصوصیات جمعیتی روستاهای و محلات شهری در ایران ندارند.

در مورد دیگر خصوصیات یک محله، این نظریه با بقیه نظریه‌های موجود در مورد شهرسازی پایدار و سبز و همچنین نظریه شهرسازی جدید سنتی، هم عقیده می‌باشد. یک محله بایستی ترکیبی از کاربری‌های

کشاورزی و تولید بوده است. اما همه روستاهای ایران از جمله روستاهای مازندران هیچ وقت فشرده به مفهوم آنچه که در این نظریه و توسط شهرسازان سبز تأکید می‌شود، نبوده است. در این مورد موقعین (۱۹۹۵) می‌گوید که فشرده بودن بافت، تنها مدل شهر پایدار نیست بلکه بافت‌های پراکنده‌ای^۳ که فضاهای باز و زمین‌های باقی مانده را به کشاورزی و تولیدات بااغی اختصاص می‌دهند نیز مدلی دیگر از سکونتگاه پایدار می‌باشد. نظریه شهرسازی دهقانی می‌تواند از این نکته بهره بگیرد و تنها به پیشنهاد بافت فشرده تأکید نکرده و تعریف جامع‌تری از بافت سکونتی پایدار بیان نماید.

مسیرهای عبور و مرور و مرکز محله

کوچه‌ها باقی مان بوده و برای پیاده و دوچرخه طراحی شوند نه اینکه فقط در کنار خیابان ماشین رو طراحی گردند(Duany and DPZ, 2011, p.39). ضمن اینکه سرعت ماشین برای تردد در داخل بافت مسکونی باقی ماند (Jacobs, 1964; Moughtin, 1995; Montgomery, 2013) به همین خاطر طبق این نظریه، کوچه‌ها بهتر است از بابت شکلی، به صورت شبکه شطرنجی بوده که توسط رومیان نیز بسیار استفاده شده است و البته در ایران نیز متداول بوده (مشهدی‌زاده، ۱۳۷۳) و مورد علاقه روستاییان می‌باشد. شبکه شطرنجی از بابت احداث و نگهداری آسان بوده (Broadbent, 1990: Moughtin, 1999) و همچنین از بابت سیاسی نیز امنیت بیشتری داشته و توسط دولت‌ها در هنگام جنگ و شورش‌های اجتماعی بیشتر قابل کنترل می‌باشد(Banai, 1996). الگویی که برای تحول در شهرهای تاریخی و قدیمی ایران نیز استفاده شده است. در عین حال این نظریه تأکید می‌کند که از احداث خیابان‌های وسیع باقی ماند که از احداث خیابان‌های وسیع باقی ماند اجتناب شده تا زمین برای تولید غذا استفاده گردد

(Duany and DPZ, 2011, p.39). در واقع کانسپت(مفهوم کلی) اصلی این اندیشه، استفاده حداقل از زمین برای ساخت و ساز و آزادسازی حداکثر آن در جهت تولید غذا است که منطبق با کانسپت(مفهوم کلی) استفاده از زمین در شکل گیری و توسعه بافت‌های سنتی روستایی ایران می‌باشد.

لازم به ذکر است که شکل فیزیکی کوچه‌ها باقی ماند براساس طبیعت، اقلیم، فرهنگ، نیازها و دیگر شرایط جامعه بررسی و تعیین گردد (Moughtin, 1999) و نمی‌توان یک شکل مشخص را و تنها بر مبنای یک عامل برای تمامی مناطق تعیین داد. از طرفی براساس ارزیابی از منظر تئوری شکل خوب شهر بر پایه پنج معیار یا بعد معرفی شده به منظور سنجش عملکرد خوب یک شهر یا محله که توسط لینچ (۱۹۸۱) معرفی شده است، شبکه شطرنجی کاملاً مناسب تشخیص داده نشده است (Banai, 1996). ولی از بابت اجرای ساده و سریع با هزینه کمتر، ایجاد مسیرهای تردد بیشتر که باعث بالا بردن قدرت انتخاب و تشویق به پیاده‌روی می‌شود(Jacobs, 1964) می‌تواند مطلوب باشد. باقی توجه کرد که سعی شود با در نظر گرفتن تمهیداتی نظیر انتخاب جنس کفسازی، هندسه و مانند آن سرعت تردد ماشین را در داخل بافت مسکونی روستا کاهش داده، امنیت آن‌ها را بالا برده و از این طریق به پیاده و دوچرخه اولویت بخشد، همان‌طوری که از این بابت، کوچه‌ها در روستاهای گذشته بسیار موفق عمل می‌کردند و متأسفانه امروزه با توجه به دخالت‌های طرح‌های هادی که عموماً بر مبنای وسیع کردن خیابان‌ها و آسفالت نمودن این معابر می‌باشد، مسیرهای روستایی به افزایش تردد و سرعت ماشین نظر دارند تا انسان. این الگوی جدید تبلیغ شده توسط طرح‌های هادی روستایی، موجب تغییر بافت

و تجربیات می‌باشد. علاوه بر این فضای جمعی، در روستاهای ایران مکان‌هایی برای تجمع نوجوانان در مقیاسی کوچک‌تر از مرکز محله وجود دارد که تنها نوجوانان پسر در این فضاهای باز که غالباً در کنار خیابان اصلی روستاها و در داخل بافت مسکونی قرار گرفته‌اند، زیر نظر چشم عابرین که موجب بالا رفتن امنیت می‌شود (Jacobs, 1964) به فعالیت‌هایی نظیر بازی، گفتگو و گذران اوقات فراغت می‌پردازند، ضمن اینکه این فضاهای باز برای مقاصد تولیدی نیز استفاده می‌شوند. زنان نیز فضاهایی اختصاصی برای جمع شدن کنار هم دارند که در داخل کوچه‌های خصوصی‌تر، در انتهای یک بن بست و یا بین چند خانه می‌باشد. در این فضاهای زنان و جوانان و نوجوانان دختر، ارتباطات اجتماعی خود را در حین فعالیت‌های روزمره و در ارتباط با تولید غذا انجام داده و همزمان کودکان نیز تحت مراقبت آن‌ها به بازی مشغول هستند. به این دو فضای عمومی و اختصاصی برای زنان، نوجوانان و فضای بازی و فعالیت‌های اجتماعی برای بچه‌ها در این نظریه توجه و اشاره نشده است، در صورتی که برنامه‌ریزی و در نظر گرفتن نیازها و شرایط همه سینین، گروه‌ها و جنسیت‌ها در طراحی و شکل‌گیری محله با توجه به اصول شهرسازی پایدار (Moughtin, 1995) بسیار مهم است. البته از این جنبه از روستاهای ایران برای ارتقای مدل پیشنهادی این نظریه می‌توان بهره برد.

با توجه به موارد اشاره شده، روستاهای ایران را به صورت کلی می‌توان با تعریف محله توسط تصوری شهرسازی دهقانی سازگار دانست. در این صورت از پتانسیل لازم برخوردار است تا از آن به عنوان اندیشه‌ای مدل-گونه به منظور توسعه روستاهای ایران، همراه با جزئیاتی که در پی می‌آیند، بهره گرفت.

روستایی از پیاده محور به ماشین محور است که همراه با افزایش سرعت و تردد ماشین؛ افزایش آلودگی، سروصدای، گرد و خاک و افزایش مصرف بنزین را در بی‌داشت و مهم‌تر از همه، موجب ناامنی کوچه‌ها برای تردد پیاده، دوچرخه، بازی کودکان و به‌طور کلی مانع انجام هرگونه فعالیت‌های اجتماعی برای گروه‌های سنی و جنسی مختلف شده است.

اصل دیگر در این نظریه این است که محله بایستی دارای فضاهای باز، بناها و خدمات عمومی باشد و این خدمات بایستی در کنار میدانی باشد که بازار در کنار آن شکل گرفته است و کانون اصلی خدمات و فعالیت‌های محله را شکل می‌دهد. غذا بایستی مهمنترین دلیل برای ایجاد ارتباطات اجتماعی در این محلات باشد، تمامی فعالیت‌ها و بناهای جمعی در ارتباط با غذا شامل فرآوری و بسته‌بندی محصولات تولید شده و دیگر کارگاه‌های مشابه و رستوران و کافه در کنار این میدان قرار گیرند (Duany and DPZ, 2011, p.32).

در روستاهای ایران هر چند مبنای ارتباطات اجتماعی تنها تولید و غذا نبوده ولی تمامی فعالیت‌های جمعی در مقیاس روستا و در ارتباط با غذا یا بسیار به آن مانند جشن‌ها، مراسم مذهبی و فرهنگی مانند سوگواری ایام محرم، برگزاری کشتی محلی لوقحو و مانند آن در اطراف مرکز محله روستا شکل گرفته و همچنین بناهای عمومی مانند مسجد، تکیه، مغازه‌ها، نانوایی، قهوه‌خانه و همچنین کارخانه شالی کوبی در اطراف همین مرکز قرار می‌گیرند (مشهدی‌زاده، ۱۳۷۳ و توسلی ۱۳۶۰ و نقی‌زاده، ۱۳۸۴، زرگر، ۱۳۷۸ و معماریان، ۱۳۷۱) جایی که پاتوق اصلی پیرمردان و جوانان را تشکیل داده و مهمترین مکان اجتماعی برای گذراندن اوقات فراغت جوانان و پیران مرد، روابط اجتماعی آن‌ها با هم، گپ و صحبت، انتقال اخبار روز

چگونگی مسکن

با توجه به این نظریه، مسکن می‌تواند گونه‌ای از خانه‌های مستقل ویلایی، خانه‌های شهری و آپارتمان‌ها باشد (Duany and DPZ, 2011, p.80). البته حداکثر ارتفاع خانه‌ها از نظر شهرسازی سبز و پایدار نبایستی از ۴ طبقه بیشتر باشد (Edward, 2000; Moughtin, 1995; Alexander, 1977; Gehl, 2010; Montgomery, 2013).

بر طبق این نظریه، مسکن بایستی دارای زمینی به اندازه ۵۰۰ متر مربع و به صورت مستطیل شکل و دارای یک باغ در حیاط جلویی و باغی در پشت خانه باشد. این محوطه شامل خانه (فضای زندگی)، درختان میوه، منطقه‌ای برای گذاشتن کندوهای زنبور عسل، محوطه‌ای برای کاشت انواع سبزی و حبوبات، مکان سرپوشیده و باز برای دام و ماکیان و همچنین مکانی برای کمپوست همانطور که در شهرسازی کشاورزی نیز (Duany and DPZ, 2011, p.85) بیان شده است و بنایی به عنوان انباری است (and). این الگو بسیار مشابه الگوی مسکن روستایی در مازندران است که بر مبنای آن خانه در مرکز زمین واقع شده و زمین‌های باز اطراف به حیاط جلویی، حیاط پشتی و باغ اختصاص می‌یابد که برای مقاصد گوناگون تولیدی نظیر تولید مرکبات، سبزی کاری، پرورش دام و ماکیان و حتی زنبور عسل استفاده می‌شوند (یوسف نیاپاشا، ۱۳۸۰). این فضاهای بیشتر با تولید در پیوند می‌باشند، در مسکن امروز روستاییان در ایران بسیار کم رنگ شده‌اند (قاسمی و رستمعلیزاده، ۱۳۹۱).

در این نظریه به مقوله مهم تولید گاز و انرژی از طریق فضولات دامی، گیاهی و انسانی اشاره‌ای نشده است ولی در بعضی متون دیگر از جمله در نظریه کشاورزی ماندگار (Mollinson, 1992) بیان شده است. از تکنولوژی بیوگاز^{۲۴} می‌توان در خانه‌ها به صورت تکی و یا در مقیاس هر روستا مانند آنچه که در روستای یخکش از توابع شهرستان بهشهر در مازندران اجرا شده است (سایت انجمن متخصصین محیط زیست، ۱۳۹۴)، استفاده نمود. همچنین در مقیاس بالاتر می‌توان فضولات چندین روستا را جمع نموده و پس از سوزاندن گاز تولید شده، از این روش برای تولید برق استفاده نمود که در بسیاری از کشورها مانند آمریکا، آلمان، هند، پاکستان و غیره به جریان افتاده است و می‌تواند هم در مقیاس کلان و هم کوچک در حد مقیاس یک خانه به صورت مستقل انجام شود (Energypedia, 2014).

توجهات اقلیمی و محیطی

کشاورزی در مقیاس کوچک و ارگانیک روشی از کشاورزی است که بیشتر مورد توجه نظریه شهرسازی (Janine, 2010) است. کشاورزی در مقیاس کوچک و ارگانیک بیشتر با دست و همکاری افراد، انجام شده نیاز چندانی به استفاده از کود شیمیایی، سوموم دفع آفات و ماشین‌های کشاورزی بزرگ ندارد. از این طریق هم آلدگی کمتر برای محیط و طبیعت ایجاد می‌شود و هم انرژی کمتری را مصرف می‌کند (Duany and DPZ, 2010, 2011, p.37; Janine, 2010). همچنین برخلاف کشاورزی در مقیاس بزرگ که بر مبنای تولید تک محصول است، کشاورزی در مقیاس کوچک می‌تواند تنوع تولید محصول را داشته و نیاز ساکنین را مرتفع کند. در کنار آلدگی کمتر آب و هوا و خاک، غذاهای

افراد می‌شود بنابراین یک مزرعه گوجه فرنگی در واقع به مثابه یک محیط اجتماعی نیز عمل می‌کند (Duany and DPZ, 2011; Janine, 2010; Montgomery, 2013). بدین منظور همه سینین از پیر و جوان و کودک و زن و مرد در فرایند تولید کشاورزی و محصولات صیفی و باگی براساس نظریه شهرسازی دهقانی، بهتر است در جریان تولید غذا و حداقل در برگزاری جشن محصول مشارکت داشته باشند. این همکاری باعث تقویت و ایجاد همبستگی و تعلق خاطر ساکنین به محیط زندگی، کاهش جرم و دزدی و استرس شده و باعث افزایش امید به زندگی و شادی در ساکنین می‌گردد (Montgomery, 2013). در مورد برگزاری جشن در ارتباط با تولید غذا و محصول در روستاهای می‌توان از پتانسیل جشن‌های سنتی که در جریان کشت و برداشت انجام می‌شود مانند پخت شیر برج (Yousefniapasha, 2010)، استفاده کرده و به سطح و مقیاس بالاتر اجتماعی ارتقا داد مانند جشن‌های مختلف برداشت محصول که امروزه در سراسر کشور به صورت دولتی متناول شده است ولی بهتر است با پیش‌بینی راهکارها و تمهیداتی توسط خود مردم با مشارکت تمام سینین و گروه‌ها برنامه‌ریزی و برگزار شود.

توجهات اقتصادی

استفاده از نیروی کار داخلی و به استخدام گرفتن نیروی کار محلی یکی دیگر از پیشنهادهای این نظریه بوده که یکی از مهمترین اختلافات شهرسازی دهقانی با کیبیوتز، کمونهای مورمون، باغهای اجتماعی آلمان و روستاهای قدیمی است. در آن‌ها تمامی کارها از جمله امور با مشقت مربوط به کشاورزی نیز توسط خود ساکنین انجام می‌شود اما این نظریه پیشنهاد می‌کند که نیروهای محلی حرفه‌ای را برای این امور استخدام کرده و خود ساکنین، امور آسانتر را در اوقات فراغت انجام دهند (Duany and DPZ, 2011, p.62).

تازه، سالم و طبیعی می‌تواند در دسترس ساکنین بوده، دور ریز به حداقل رسیده، خود ساکنین بر روی تولید غذا ناظارت داشته و هزینه آن‌ها را کاهش دهد. ثابت شده است که سلامتی این ساکنین، همراه با فعالیت‌های فردی و جمعی بر روی زمین، بهتر بوده و احساس بهتری از زندگی نیز دارند (Montgomery, 2013). اگر چه تولید محصولات صیفی و باگی به صورت متنوع و در مقیاس کوچک، خانگی و دستی در روستاهای ایران انجام می‌شود ولی در بیشتر موارد به دلیل مصرف ناآگاهانه سموم و کودهای شیمیایی و عدم آشنایی کافی و لازم روستاییان با روش‌های تولید ارگانیک، به نظر غذاهای سالم در دسترس ساکنین نیست. اما در مورد اینکه این روستاییان از چه درجه سلامتی برخوردارند و این سلامتی چه ارتباطی با غذا و کار بر روی زمین‌های کشاورزی و باگات دارد، تاکنون تحقیقی مشاهده نشده و نمی‌توان در این مورد اظهار نظر قاطع نمود.

نظریه شهرسازی دهقانی اشاره‌ای در مورد چگونگی شکل خانه و شهر در ارتباط با اقلیم و محیط ندارد اما از طرح‌های ارائه شده و هم با توجه به اینکه این نظریه در حوزه شهرسازی و معماری سبز و پایدار قرار می‌گیرد، می‌توان این‌گونه برداشت نمود که توجه به اقلیم و محیط در طراحی و ساخت شهر و روستا از کلیات تا جزئیات آنان به عنوان یک اصل ضروری در این نظریه پذیرفته شده است.

توجهات اجتماعی

ایجاد ارتباطات و مشارکت‌های اجتماعی به عنوان یک اصل مهم بر طبق این نظریه بایستی بیشتر در راستای تولید غذا اتفاق بیافتد (Duany and DPZ, 2011, p.36). در این مورد اشاره شده است که تولید غذا و کار بر روی باگ در حیاط جلویی خانه‌ها که در انتظار بقیه ساکنین نیز می‌باشد، موجب برخوردهای بیشتر

تکنولوژی گذشته در تمامی زمینه‌ها از جمله تولید غذا و ارتباط موثر آن با بافت سکونتی به عنوان مهمترین نقش روستاهای ایران در حال از بین رفتن است. افراد محلی با دانش و تکنولوژی مدرن نیز چندان آشنایی نداشته و بنابراین توانایی تطبیق یافتن و کار با آن‌ها را ندارند. از طرفی دیگر، الگوی مناسبی در جهت این تطابق غیر از الگوهای توسعه شهرها و نشأت گرفته از شهرسازی مدرن، پیش‌روی روستاییان نیست.

از آنجا که مدل شهرسازی دهقانی با الهام از روستاهای گذشته و با نگاه به دگردیسی در شهرسازی مدرن، سعی در تطبیق این دو دیدگاه با هم نموده است و با توجه به شرایط محیط، بافت و کالبد روستاهای ایران، این مدل از کارآیی لازم به منظور اندیشه مدل-گونه مناسبی برای طرح‌های توسعه کالبدی و نیز غیر کالبدی این روستاهای جای اندیشه فعلی که در طرح‌های هادی روستایی مورد استفاده قرار می‌گرد، برخوردار است. ملاحظاتی از جمله شناخت بافت پراکنده روستایی به عنوان سکونتگاهی پایدار در این نظریه، توجه بیشتر به عوامل اقلیمی و محیطی در راستای انتخاب مکان سکونتگاه انسانی و روستایی، توجه به تمامی سینی و گروه‌ها و پیش‌بینی فضاهای اجتماعی آنان در داخل بافت سکونتی، استفاده از الگوهای دیگر به منظور طراحی معابر که توسط منابع معتبر دیگری تأیید شده‌اند، می‌تواند این الگو را ارتقا داده و منطبق بر شرایط روستاهای ایران گردد. در مجموع این اندیشه می‌تواند دریچه‌ای باز نماید تا تولید، دوباره به عنوان کانسپت (مفهوم کلی) اصلی برای توسعه و تحول روستاهای در نظر گرفته شده و نقش تولیدی روستا مورد تأکید مجدد قرار گیرد. در این قالب نه تنها تولید غذا به شرایط پایدار سوق می‌یابد، بلکه دیگر تولیدات در روستا نیز امکان رونق و توسعه

ساکنین و خصوصاً کودکان و جوانان به دلیل امور خسته کننده و مشقت بار کشاورزی، از انجام کار کشاورزی دلزده و گریزان نمی‌شوند. همچنین انجام امور آسان‌تر مربوط به کشاورزی و تنها به عنوان تفریح تولید غذا علاوه‌مند شوند که موجب دوام کشاورزی و درآمد بیشتر خانواده و هزینه کمتر برای خرید غذا نیز خواهد بود. از طرفی دیگر استفاده از نیروی کار حرفه‌ای محلی باعث ایجاد شغل و گردش سرمایه در داخل خود جامعه شده که به عنوان یک اصل برای یک جامعه پایدار ضروری است (Edward, 2000). در این راستا و در روستاهای ایران، صنایع مرتبط با تولید غذا مانند صنایع فرآوری، سورتینگ و بسته‌بندی بهتر است مانند کارخانه‌های شالی کوبی در مقیاس یک یا چند روستای محدود و در داخل بافت روستا شکل گرفته از نیروی کار متخصص و غیر متخصص بهره‌گیری شده و محصول به شکل فرآوری شده و نه به صورت خام به بازار مصرف فرستاده شود. این فرایند موجب جذب و اقامت نیروی کار محلی در روستا شده، احتمال فاسد شدن و از بین رفتن محصول را پایین آورده و هزینه فرآوری محصول را کاهش می‌دهد و سود و درآمد بیشتر نصیب تولیدکنندگان غذا که همان ساکنین روستا می‌باشند، خواهد شد.

نتیجه

تولید غذا رفته به یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای جهان تبدیل می‌شود. روستاهای ایران اما در نتیجه یک دگردیسی مدرن، از یک جامعه خودکفا بر پایه استفاده از منابع محلی و تولیدات داخلی به جامعه‌ای مصرف‌گرا بر پایه محصولات وارد شده از خارج روستا تبدیل می‌شوند. در این دگردیسی، دانش و

- سرتیپی پور، محسن. (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

- سرتیپی پور و همکاران. (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی مشکلات کالبدی در سکونتگاه‌های کوچک، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، تهران.

- سعیدی، عباس. (۱۳۸۹)، محیط، فضا و توسعه: بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی- شهری، مسکن و محیط روزتا، سال ۲۱، پاییز ۸۹ صص ۳-۱۳.

- فاضل‌نیا، غریب؛ کیانی، اکبر؛ علی خسروی، محمود؛ بندانی، میثم. (۱۳۹۰)، بررسی انطباق الگوی بومی توسعه کالبدی- فیزیکی روستای تمبکاء شهرستان زابل با جهت حرکت طوفان های شن و ماسه، مسکن و محیط روزتا، سال ۳۰، زمستان ۹۰، ص ۳-۱۷.

- قاسمی اردھائی، علی؛ رستمعلیزاده، ولی الله. (۱۳۹۱)، اثرات وام مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی، مسکن و محیط روزتا، سال ۳۱، پاییز ۹۱، ص ۶۷-۸۵.

- کولایان، درویش علی. (۱۳۸۵)، ساری و آغاز تمدن برنج، انتشارات شلفین، ساری، مازندران، ایران.

- مشهدی زاده، ناصر. (۱۳۷۳)، تحلیلی از ویژگی‌های شهرسازی در ایران، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

- معماریان، غلامحسین. (۱۳۷۱)، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی- گونه‌شناسی برونگرا، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۴)، تأملی در معماری روستاهای دره برززو، مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۲، زمستان ۱۳۸۴، صص ۱۸-۲.

- وزارت جهاد کشاورزی. (۱۳۹۴)، www.maj.ir، ministry، دسترسی به سایت در دی ماه ۱۳۹۴.

- یوسف‌نیاپاشا، مجید. (۱۳۸۰)، پیمایشی بر جامعه و معماری روستایی بندپی در مسیر طراحی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه یزد، ایران.

- Alexander, C. (1977), A pattern language: towns, buildings, construction, Oxford University press, New York, USA.

خواهند یافت و نتیجه، رونق روستا و روستاشینی خواهد بود.

پی‌نوشت

۱. (FAO) سازمان غذا و کشاورزی مربوط به سازمان ملل متحد.

۲. این واژه از مقاله دکتر عباس سعیدی (۱۳۸۹) اقتباس شده است.

3. Green Urbanism

4. Sustainable

5. Garden Cities

6. Agricultural urbanism

7. Permaculture

۸. از آن جمله می‌توان به تخریب خانه‌های بسیار با ارزش و بی‌نظیر خانه‌ها در روستای تاریخی دیبا در استان مازندران را مثال زد.

9. Urban Agriculture

10. Bill Mollison

11. Duany & Plater-Zyberk

12. Libert Migge

13. Community Garden

14. Golf-Course Community

15. Commune

16. Mormons

17. Kibbutz

18. Transect

یک خط مستقیم یا برشی باریک از یک شی یا عنصری طبیعی یا از سرتاسر پوسته زمین به منظور مشاهده و اندازه‌گیری (فرهنگ لغت‌نامه آنلاین آکسفورد، ۲۰۱۳)

19. Suburb

20. Mixed-use

21. Zoning

22. Compact

23. Sprawl

24. Bio-Gas

فهرست منابع

- اتاق بازارگانی، صنایع و معادن. (۱۳۹۴)، آمار کل صادرات و واردات به ایران، www.tccim.ir، دسترسی در آذرماه سال ۱۳۹۴.

- انجمن متخصصین محیط زیست. (۱۳۹۴)، www.irsen.org، دسترسی به سایت در دی ماه ۱۳۹۴.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. (۱۳۷۹)، ارزیابی طرح‌های هادی روستایی، جلد ۳، تهران.

- توسلی، محمود. (۱۳۶۰)، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، دانشگاه تهران، تهران.

- زرگر، اکبر. (۱۳۷۸)، درآمدی بر معماری روستایی ایران، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

- Banai, R. (1996), A theoretical assessment of the 'neotraditional' settlement form by dimensions of performance, Environmental and planning B: Planning and Design, volume 23, pages 177-190, UK.
- Broadbent, G. (1990), Emerging concepts in urban space design, Van Nostrand Reinhold (international) Co. Ltd, UK.
- Duany, A. & DPZ (2011), Garden cities, theory and practice of Agrarian Urbanism, the prince's foundation for the built environment, UK.
- Duany, Andrés (2002), Transect Planning." Journal of the American Planning Association, Vol. 68, No. 3, summer 2002, American Planning Association, pp. 245-246.
- Edward, B. (2000), Sustainable housing, principle and practice, Chapter 1, PP. 12-36, Taylor and Francis, London, UK.
- Food and Agriculture organisation of UN (2015), www.fao.org, date accessed 2015.
- Gehl, J. (2010), Cities for people, Island press, Washington, USA Chicago Press, USA.
- Lynch, K. (1981), A theory of good city form, The MIT press, Cambridge, Massachusetts, USA.
- Jacobs, J. (1964), the death and life of great American city; 9the failure of town planning), Pelican books, UK.
- Janine, D. and Holland, M. (2010), Agricultural Urbanism, Winnipeg Manitoba, Canada.
- Mollinson, W. (1992), Permaculture; A designers' manual, Tagari publications, Tyalgum, Australia.
- Montgomery, C. (2013), Happy City, British Columbia art council, New York, USA.
- Moughtin, C. (1999), Urban design (street and square), second edition, Architectural press, Oxford, UK.
- Moughtin, C. (1995), Urban design: green dimensions, Butterworth heinemann, Oxford, UK.
- Yousefniapasha,M. (2010), The relationship between rice and the housing of rice-growers in north of Iran, published in sustainable development and planning V, Pages 639-650,Wessex institution of technology, Wit press, UK.
- Duany and DPZ website (2011). www.dpz.com, P.Techique/Transect. Date accessed downloading the picture in2015.
- Energypedia (2015), www.energypedia.info, Date accessed September 2015.